



دکتر فریدون سیامک‌نژاد

مقدمه

صبح که از خانه بیرون می‌زنیم تا راهی محل کار شویم، با افراد زیادی برخورد می‌گیریم و روبه‌رو می‌شویم که هر کدام می‌تواند برای انسان خاطره‌انگیز باشد. از برخورد احتمالی با رفتگر زحمتکش محله گرفته تا دیدن کسانی که هر یک به‌دلیلی سر راهمان قرار می‌گیرند و ممکن است اگر قدیمی محل باشیم، سلام و علیکی هم با ما داشته باشند. از وقتی سوار وسیله نقلیه عمومی اعم از اتوبوس، مترو یا تاکسی می‌شویم تا زمانی که آن را ترک می‌گیریم، کسانی را می‌بینیم و حرف‌هایی می‌شنویم که هر کدام آن‌ها می‌تواند خاطره‌ای برایمان باشد، یا خاطره‌ای را از زمان‌های دور برایمان زنده کند. به محل کار هم که می‌رسیم و کار را شروع می‌گیریم، بستگی به نوع کاری که داریم، هم‌هانش می‌تواند تداعی‌کننده مساله یا احیاناً خاطره‌ای باشد. حالا اگر کارمان طوری باشد که ارتباط مستقیم با مردم داشته باشیم، به اندازه تفاوت بین انسان‌ها، و مردمی که برای کارشان به ما مراجعه می‌کنند، می‌توانیم حرف برای گفتن داشته باشیم و خاطره برای بازگو کردن.

با این صغری و کبری چیدن‌ها می‌رسیم به این که داروخانه از جمله مکان‌هایی است که کار کردن در آن، یک دنیا حرف برای گفتن، و یک سینه خاطره برای بازگو کردن دارد. بنابراین، تصمیم گرفتیم تا مسایل به‌وجود آمده در داروخانه را تحت عنوان «یادداشت‌های داروخانه» قلمی کنیم. مطالبی که در پی می‌آید، حاصل این تلاش و نتیجه حضور در داروخانه در برخورد با بیماران و مسایل جاری داروخانه است. تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

ایشان مسواک جی.یو.ام دادیم که البته آن هم آمریکایی است. البته، چون درباره این مسواک هنوز می‌گویندی وجود ندارد، گرفت و رفت.

یادداشت ۳

خانمی حدوداً سی و پنج ساله بود. با این که داروخانه نسبتاً شلوغ بود (شلوغی داروخانه سمیه، یعنی یکی دو نفری در داروخانه هستند)، تا وارد داروخانه شد از همان دم در سؤال کرد که شیرنان ۳ دارید؟

خیلی عجله داشت و دایم این پا و آن پا می‌کرد. تکنیسین برای این که کارش را راه بیاندازد بلافاصله شیرنان را جلویش گذاشت و به دیگر بیماران حاضر در داروخانه پرداخت.

خانم قیمت را پرسید و تکنیسین هم در حالی که مشغول حاضر کردن نسخه‌ای بود، قیمت را به ایشان اعلام کرد.

نمی‌دانم قیمت را زیاد دید. پول همراهش نبود. فکر نمی‌کرد قیمت شیر گران شده یا که چی؟ ولی این قدر می‌دانم که باوجود عجله‌ای که داشت بدون شیر داروخانه را ترک کرد!

یادداشت ۴

در ابتدایی که داروخانه را تأسیس کردیم، یک عدد آب سردکن هم داخل داروخانه گذاشتیم و مردم و مراجعه‌کنندگان از آن استفاده می‌کردند. چهارسالی آب سردکن در داروخانه بود. ولی به دلیل اصراف در مصرف لیوان یک بار مصرف و آب سرد

یادداشت ۱

برای زخم باز یک محلول شستشو می‌خواهم. بلافاصله هم عنوان کرد که بتادین یا همان محلول پوویدون آبوداین ژنریک نباشد. می‌گویند بتادین نباید مصرف شود و از رده خارج شده است! برای ایشان شرح دادم که اولاً این محلول هنوز هم به دلیل ترکیب خوبش بعد از بیش از پنجاه سال بهترین است. در مورد زخم‌های وسیع و گسترده به دلیل داشتن ید باید با احتیاط مصرف شود، ولی برای زخم‌های کوچک، بهترین است.

البته، علی‌رغم توضیحی که دادم، ایشان قانع نشد. برای این که خیالش را راحت کرده باشم یک محلول ستریمید (نام ژنریک ساولن) به او دادم و چگونگی کار با آن را هم برایش شرح دادم ولی باز هم گفتم که قدرت بتادین (پوویدون آبوداین) بسیار بیشتر از ستریمید است.

یادداشت ۲

خانمی چادری بود و از تکنیسین داروخانه سراغ مسواک را گرفت. ایشان تعدادی مسواک اورال B در شکل‌ها و قیمت‌های مختلف از داخل قفسه آورد و جلوی ایشان قرار داد.

ابتدا کمی مسواک‌ها را وارسی کرد و سپس چنین عنوان کرد که این مسواک‌ها صهیونیستی است! تکنیسین هم گفت: به حق چیزهای نشنیده! کی چنین حرفی زده؟ باز هم مسأله می‌گویند بود و خانم چادری هم عنوان کرد که خیلی‌ها می‌گویند مسواک اورال B مال صهیونیست‌ها است!

چون اصرار داشت که مسواک خارجی باشد، به

وبه مریض داد. او نیز قرص را در دهانش گذاشت و لیوان آب را هم به لب‌ها گذاشت و تا ته سر کشید. بقیه بلیستر را هم به طرف تکنیسین داروخانه دراز کرد و ضمن تشکر از ایشان، سؤال کرد که مبلغ یک عدد قرصی که خورده است چقدر می‌شود؟!!!

یادداشت ۶

از تکنیسین داروخانه سراغ قرص یا کپسول مولتی‌ویتامین مینرال را گرفت. در حالی که تکنیسین از داخل قفسه داروخانه برایش می‌آورد، سؤال کرد که آیا این دارو چاق هم می‌کند؟ من وارد بحث شدم و به خانم مراجعه‌کننده گفتم که چون اصولاً مولتی‌ویتامین‌ها کمی اشتها را زیاد می‌کنند، ممکن است باعث چاقی شوند البته، به شرطی که خوردن غذا کنترل نشود ولی اگر میزان غذا کنترل شود و انسان سعی کند کمتر غذا بخورد، یا وعده‌های غذایی را کم کند، قطعاً اگر ورودی ویتامین‌ها و مواد معدنی هم کم شود با خوردن قرص یا کپسول مولتی‌ویتامین مینرال هم آن کمبودها برطرف می‌شود و هم وزن فرد کنترل می‌گردد.

آب سردکن، عطایش را به لقایش بخشیدیم و جمع کردیم و به یک خیریه مستقر در زابل اهدا نمودیم. از آن موقعی که آب سردکن را جمع کردیم تقریباً هیچ کس سراغی از آن نگرفت و انگار نه انگار که در این داروخانه زمانی آب سردکن هم وجود داشته است!

گاهی کسی برای خوردن دارو در داروخانه تقاضای آب می‌کند که از شیر داروخانه لیوانی به او داده می‌شود.

چند روز پیش یکی از مراجعه‌کنندگان سؤال کرد که راستی آب سردکن داروخانه چی شد؟!!!

یادداشت ۵

ظاهراً سردرد زیادی داشت. اصلاً روی پایش بند نبود. گاهی دستش روی پیشانی‌اش بود. گاهی روی سرش و سراغ قرص مسکن را گرفت. بلافاصله روی صندلی داروخانه نشست و تکنیسین داروخانه هم یک ورق قرص مسکن به او داد.

مریض یک عدد قرص را از داخل بلیستر درآورد و تقاضای آب کرد. تکنیسین داروخانه از داخل آبدارخانه و از شیر آب آن‌جا لیوانی پر از آب کرد